

نقش دردسر آفرینی و اسناد شناختی در رابطه با باور به دنیای عادلانه و واکنش پرخاشگرانه ی دانشجویان دختر: نظریه ی ایرانی کارکرد دوگانه ی متضاد

دکتر محسن گل پرور^۱ و زهرا جوادیان^۲

هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش دردسر آفرینی و اسناد شناختی در رابطه با باور به دنیای عادلانه و واکنش پرخاشگرانه ی دانشجویان دختر بود. بدین منظور، از بین دانشجویان دختر روان شناسی دانشگاه آزاد اصفهان، ۲۲۰ نفر انتخاب شدند و به شیوه ی تصادفی در سه گروه اسناد شناختی (خصمانه، دوستانه و مبهم) کاربردی شدند و از نظر سناریو برای دستکاری اسناد شناختی باور به دنیای عادلانه، دردسر آفرینی و واکنش پرخاشگرانه مورد آزمون قرار گرفتند. نتایج، نشان داد که دردسر آفرینی و اسناد شناختی، رابطه ی باور به دنیای عادلانه را با واکنش پرخاشگرانه به موقعیت های سه گانه (خصمانه، دوستانه و مبهم) تعدیل می کند. تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که در دردسر آفرینی پایین و موقعیت اسناد خصمانه، رابطه ی باور به دنیای عادلانه با واکنش پرخاشگرانه ی منفی ولی در دردسر آفرینی بالا و موقعیت اسناد خصمانه، این رابطه مثبت است.

واژه های کلیدی: دردسر آفرینی، اسناد شناختی، باور به دنیای عادلانه، واکنش پرخاشگرانه

مقدمه

باور به دنیای عادلانه^۳، باور به دنیایی فانی و مبتنی بر عدل و انصاف است که در آن افراد بر پایه ی شایستگی و تلاش به آنچه می خواهند، دست می یابند؛ به عبارت دیگر، باور به دنیای عادلانه، یک باور بنیادین است که براساس آن افراد برنامه ریزی نموده و سپس با امید به فعال بودن اصل عدالت برنامه ها و اهداف خود را دنبال می کنند (گل پرور و جوادی، ۲۰۰۷). چیزی کمتر از یک دهه تلاش پژوهشی و نظریه پردازی در عرصه ی باور به دنیای عادلانه در ایران، حاکی از کارکردهای مختلف برای این باورهاست. مهمترین کارکردهای مطرح برای این باورها براساس تحقیقات کاملا

۱. دپارتمان روان شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان، اصفهان. ایران mgolparvar@khuiasf.ac.ir

۲. کارشناس ارشد دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان، اصفهان. ایران

ایرانی، حاکی از ارتباط باور به دنیای عادلانه با شاخص‌های متعدد نظیر رابطه‌ی منفی با علایم اضطراب و افسردگی، تمایل به خودکشی، خشونت و پرخاشگری، علایم سوطن و بدگمانی (پارانویا)، علایم روان‌پریشی و حساسیت بین فردی است (گل‌پرور، جوادی و کامکار، ۲۰۰۷؛ گل‌پرور، خاکسار و خیاطان، ۲۰۰۸؛ سجادیان و گل‌پرور، ۲۰۰۸)؛ علاوه بر این، باور به دنیای عادلانه با شاخص‌های نگرشی نظیر ارزش‌های شخصی (نیکخواهی و پیشرفت) با عشق به پول و پایبندی مذهبی نیز دارای رابطه، گزارش شده است (گل‌پرور، ۲۰۰۶؛ گل‌پرور و عریضی، ۲۰۰۸؛ گل‌پرور و خاکسار، ۲۰۰۹). در عین حال، باور به دنیای عادلانه در سطح جزئی و نه کلی، بین گروه‌های مختلف (نظیر زنان و مردان، افراد مجرد و متاهل و افراد سنین مختلف) تفاوت‌هایی دارد. به ویژه دو پژوهش حاکی از آن است که زنان، تمایل بیشتری به ارزیابی عدالت در دنیا برای دیگران نسبت به مردان دارند (گل‌پرور و عریضی، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸؛ گل‌پرور و اکبری، ۲۰۰۹؛ گل‌پرور و جوادیان، ۲۰۱۰) اما علاوه بر کارکردهای برشمرده شده، شواهد کاملاً ایرانی حاکی از آن است که باور به دنیای عادلانه در پیوند با متغیرهایی نظیر پرخاشگری و واکنش پرخاشگرانه به موقعیت‌ها، تحت تاثیر ویژگی‌های فردی و نوع اسناددهی افراد در موقعیت قرار می‌گیرد (بگیو و مولر^۱، ۲۰۰۶).

از جمله ویژگی‌های فردی که می‌تواند رابطه‌ی باور به دنیای عادلانه را با واکنش پرخاشگرانه تحت تاثیر قرار دهد، دردسر آفرینی^۲ است. دردسر آفرینی، به مشکل آفرین بودن فرد در موقعیت‌های مختلف اطلاق می‌شود که طی آن فرد برای خود و دیگران مشکلاتی را بوجود می‌آورد که موجب ایجاد خدشه به نحوه‌ی تعامل وی با دنیای اطرافش می‌شود (بگیو و مولر، ۲۰۰۶) اما اسناددهی، یک فرایند شناختی است که طی آن، فرد تلاش می‌کند تا علل وقوع حوادث و رخدادها را به علت یا عاملی نسبت دهد. شکل کلی اسناددهی یا جنبه‌ی درونی (اسناد علت وقوع حوادث به خود) دارد یا جنبه‌ی بیرونی (اسناد علت وقوع حوادث به عاملی غیر از خود) به خود می‌گیرد (ریو، ۱۹۹۷). پیش از پرداختن به نحوه‌ی تاثیرگذاری اسناددهی و دردسر آفرینی، در رابطه‌ی باور به دنیای عادلانه و واکنش پرخاشگرانه، لازم است اشاره‌ای به مبانی نظری و پژوهش رابطه‌ی باور به دنیای عادلانه و پرخاشگری داشته باشیم.

بر اساس پژوهش های به عمل آمده، رفتار پرخاشگرانه به طور جدی می تواند تحت تاثیر دو دسته باورها در افراد قرار گیرد. دسته ی اول، باور به پذیرش هنجاری پرخاشگری و دیگری پردازش اطلاعات اجتماعی که اسنادی بخش عمده ای از این پردازش اطلاعات اجتماعی است. وقتی فرد به این نتیجه می رسد که پرخاشگری و واکنش پرخاشگرانه، از لحاظ اجتماعی، امر پذیرفته شده ای است و واکنش جدی و منفی در مقابل آن از لحاظ اجتماعی وجود ندارد و در عین حال در تعامل های اجتماعی و پردازش شناختی حاصل از این تعامل های اجتماعی به این نتیجه می رسند که افراد دیگر به جز خود، علت و عامل اصلی ناکامی یا شکست وی در دستیابی به اهداف بوده اند سطح تمایلات پرخاشگرانه ی آن ها بالا می رود اما در این بین، شکل کلی باورهای بنیادین فرد نظیر باور به دنیای عادلانه، می تواند با دخالت در فرایندهای پردازش - شناختی افراد زمینه را برای تغییر واکنش های پرخاشگرانه فراهم آورد (گل پرور و همکاران، ۲۰۰۸).

یافته های پژوهشی، حاکی از آن است که باور به دنیای عادلانه با ایجاد نظام فکری مثبتی بر رفع بی عدالتی ها در اثر عادل و منصف بودن فرد (همراه با تلاش و کوشش) شکلی از آرامش هیجانی را در فضای روانی فرد ایجاد می کند. این آرامش هیجانی و روانی به طور جدی باعث کاهش سطح پرخاشگری و خشونت طلبی افراد می شود (گل پرور و همکاران، ۲۰۰۸) اما این کارکرد کاهش واکنش پرخاشگرانه براساس شواهد پژوهشی ارایه شده توسط گل پرور و واتقی (۲۰۱۰) به طور ضمنی حاکی از آن است که تحت تاثیر اسنادی افراد به موقعیت، به صورت خصمانه دوستانه، مبهم و ویژگی های افراد (نظیر دردسرآفرینی) قرار می گیرند. گل پرور و واتقی (۲۰۱۰) طی پژوهشی در دانش آموزان دختر، نشان داده اند که وقتی افراد در گروه دردسرآفرین پایین قرار دارند و تحت تاثیر اسنادی خصمانه قرار می گیرند، باور به دنیای عادلانه با واکنش پرخاشگرانه دارای رابطه ی منفی است ولی وقتی افراد در گروه دردسرآفرینی بالا هستند و تحت تاثیر اسنادی خصمانه (عمدی بودن رفتار فرد مقابل برای ناکامی انسان) قرار می گیرند، باور به دنیای عادلانه با واکنش پرخاشگرانه، دارای رابطه ی مثبت می شود. به باور گل پرور و واتقی (۲۰۱۰) این یافته می تواند حاکی از آن باشد که باور به دنیای عادلانه، برخلاف آنچه در تحقیقات گذشته نشان داده شده که با پرخاشگری و خشونت دارای رابطه منفی است، می تواند تحت تاثیر دردسرآفرینی و اسناد شناختی خصمانه به موقعیت، دارای کارکرد دوگانه ی متضاد شود. در واقع، وقتی افراد به عنوان یک ویژگی پایه، دارای دردسرآفرینی بالا هستند و با ناکامی که دیگری باعث آن شده

مواجه می شوند، نیروی باور به دنیای عادلانه ی خود را به خدمت واکنش پرخاشگرانه درمی آورند ولی وقتی دارای دردسرها فرینی پایینی هستند، حتی در زمانی که ناکامی خود را در دستیابی به یک هدف خاص، به دیگری و خصومت وی نسبت می دهند، باور به دنیای عادلانه مانعی برای واکنش پرخاشگرانه ی آنها می شود. این فرضیه، کارکرد دوگانه ی متضاد برای باور به دنیای عادلانه که فرضیه ای بر آمده از تحقیقات ایرانی است، به طور جدی تاکنون حتی در خارج از کشور که تحقیقات حوزه ی باور به دنیای عادلانه به سرعت در حال پیشروی و گسترش است، مورد غفلت قرار گرفته است. در عین حال در صورت صحت این فرضیه، بسیاری از تبیین ها، کارکردها و یافته های پژوهشی قبلی به چالش طلبیده می شود. به همین دلیل این پژوهش برای تصریح و بسط جغرافیای دانش مربوط به کارکردهای باور به دنیای عادلانه در میان دانشجویان دختر به مرحله ی اجرا درآمد.

اینکه صرفاً دانشجویان دختر برای شرکت در پژوهش انتخاب شدند، به شواهد پژوهشی مربوط می شود که نشان می دهد در سطوح جزئی، ممکن است در باور به دنیای عادلانه ی زنان و مردان تفاوت وجود داشته باشد (گل پرور و اکبری، ۲۰۰۹) و در عین حال، قراین پژوهشی دیگر نشان می دهد رابطه ی باور به دنیای عادلانه با متغیرهای پیامد مثل استرس، نگرانی و حتی پرخاشگری تحت تاثیر جنسیت تعدیل می شود (گل پرور و نادری، ۲۰۰۸). به همین دلیل، برای کنترل احتمالی اثر جنسیت، فقط از دانشجویان دختر استفاده شده است. بنابراین، در این پژوهش، سعی کرده ایم فرضیه ی کارکرد دوگانه ی متضاد در میان دانشجویان دختر ایرانی را مورد آزمون قرار دهیم. این پژوهش، دارای این اهمیت و ضرورت است که باید به طور جدی مشخص شود که آیا باور به دنیای عادلانه، تحت تاثیر ویژگی های روانی-شناختی افراد، دارای کارکردهای متفاوتی می شود یا خیر؟ پاسخ به این سوال برای پژوهش های آینده و کاربردی سازی نتایج پژوهش ها از اهمیتی حیاتی برخوردار است.

روش

جامعه ی آماری، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه ی آماری این پژوهش، دانشجویان دختر روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان بود. از این جامعه، ۲۴۰ نفر به شیوه ی نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند، سپس به صورت تصادفی

در سه موقعیت پژوهشی، اسناددهی خصمانه، دوستانه و مبهم (به تعداد مساوی ۸۰ نفر برای هر موقعیت) کاربردی شدند.

ابزار

سناریوی فعال سازی اسناددهی سه گانه: برای فعال سازی اسناددهی خصمانه، دوستانه و مبهم دانشجویان دختر، از سه سناریوی ارائه شده توسط گل پرور و واتقی (۲۰۱۰) که طی آن هر دانشجو خود را در شرایطی قرار می دهد که در زمان استراحت بین دو کلاس، به سمت بوفه ای که نزدیک دانشکده آنهاست برای تهیه ی یک میان وعده ی غذایی می رود، سپس میان وعده ی مذکور را تهیه می کند و تصمیم می گیرد که بر سر یکی از میزهایی که یک صندلی خالی برای نشستن کنار آن وجود دارد، برود و میان وعده ی تهیه شده را در آن محل صرف کند. به محض نزدیک شدن به آن میز، یکی از دانشجویان که روی صندلی دیگری از آن میز نشسته، به دانشجوی مورد نظر ما اعلام می دارد که این صندلی را برای دوستش که قرار است بزودی بیاید نگه داشته بنابراین، وی نمی تواند از آن صندلی برای نشستن استفاده کند و دانشجوی مورد نظر ما تصمیم می گیرد که میان وعده ی غذایی خود را در محل دیگری صرف کند. در حین دور شدن از آن محل دانشجوی مورد نظر ما به این فکر می کند که آیا دانشجویی که به وی اعلام داشته صندلی را برای دوستش نگه داشته، واقعا در این ارتباط راست گفته یا خیر. در موقعیت خصمانه معلوم می شود که دانشجوی مورد نظر درباره ی صندلی، به دانشجوی ما دروغ گفته، در موقعیت دوستانه مشخص می شود که واقعا صندلی را برای دوستش نگه داشته و بالاخره در موقعیت مبهم مشخص نمی شود که دانشجوی مورد نظر واقعا صندلی خالی را برای دوستش نگه داشته یا خیر؟ گل پرور و واتقی (۲۰۱۰) شواهد مربوط به روایی این سه سناریو را مستند ساخته و ارائه کرده اند. در عین حال در این پژوهش، برای بررسی روایی تمیزی فعال سازی اسناد خصمانه، دوستانه و مبهم توسط سه سناریوی مورد استفاده، پس از خواندن هر سناریو، از دانشجویان خواسته شد تا مشخص کنند که تا چه اندازه فکر می کنند دانشجویی که نگذاشته وی از صندلی استفاده کند صادق بوده یا خیر؟ سپس روی پاسخ دانشجویان سه گروه خصمانه، دوستانه و مبهم تحلیل واریانس یک راه انجام گرفت. نتیجه این تحلیل واریانس ($F=18/22$, $P<0/01$) معنادار و آزمون تعقیبی شفه نیز حاکی از آن بود که گروه موقعیت خصمانه با اسناددهی به عملی بودن

غیرصادقانه بودن) رفتار دانشجویی که نگذاشته دانشجوی موردنظر ما از صندلی خالی استفاده کند، از دو گروه دوستانه و مبهم دارای تفاوت معناداری ($P < 0/01$) است. این تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی، روایی تمیزی سه سناریو موردنظر را به طور مجدد مستند ساخت.

پرسشنامه ی باور به دنیای عادلانه: برای سنجش باور به دنیای عادلانه، از پرسشنامه ی هفت سوالی دالبرت^۱ (۱۹۹۹) که در ایران توسط گل پرور و عریضی (۲۰۰۷) اعتباریابی شده، استفاده به عمل آمد. این پرسشنامه، دارای مقیاس پاسخگویی هفت درجه‌ای (کاملاً مخالفم=۱ تا کاملاً موافقم=۷) است و باور به دنیای عادلانه ی شخصی را مورد سنجش قرار می‌دهد. شواهد روایی همزمان و سازه ی این پرسشنامه، همراه با پایایی بازآزمایی و همسانی درونی (آلفای کرونباخ) آن که توسط گل پرور و عریضی (۲۰۰۷) ارائه شده در حد مطلوبی است. در عین حال، در این پژوهش تحلیل عاملی اکتشافی (آلفای کرونباخ) مجدد، روایی سازه این پرسشنامه را به طور مجدد مستند ساخت به ترتیبی که آلفای کرونباخ ۷ سوال، ۰/۸۳ بدست آمد. یک نمونه سوال این پرسشنامه به این شرح است: اعتقاد دارم تا حد زیادی سزاوار اتفاقاتی که برایم می‌افتد، هستم.

پرسشنامه ی دردسرافزینی: برای سنجش دردسرافزینی از پرسشنامه ی سه سوالی معرفی شده توسط بگیو و مولر (۲۰۰۶) که بر مقیاس هفت درجه‌ای (خیلی کم=۱ تا خیلی زیاد=۷) پاسخ داده می‌شود، استفاده به عمل آمد. این پرسشنامه، قبلاً در ایران توسط گل پرور و واثقی (۲۰۱۰) روایی سنجی و اعتباریابی شده و از شرایط مطلوبی برای سنجش دردسرافزینی ادراک شده ی شخصی برخوردار است. در این پژوهش، از طریق تحلیل عاملی اکتشافی (چرخش از نوع واریماکس) روایی سازه ی این سه سوال مورد بررسی قرار گرفت. شواهد حاصل از این تحلیل، ۳ سوال را روی یک عامل با آلفای کرونباخ ۰/۷ قرار داد. یک نمونه سوال این پرسشنامه، به این شرح است: چقدر فکر می‌کنید در محیط دانشگاه دردسرافزین و مشکل ساز هستید.

پرسشنامه ی واکنش پرخاشگرانه به سه موقعیت: برای سنجش و اندازه گیری واکنش پرخاشگرانه دانشجویان دختر به موقعیت فرضی که با آن مواجه شدند (از طریق سناریوی فعال سازی اسناد خصمانه، دوستانه و مبهم) از دو پرسش معرفی شده توسط بگیو و مولر (۲۰۰۶) استفاده به عمل آمد. این پرسشنامه، قبلاً در ایران توسط گل پرور و واثقی (۲۰۱۰) اعتباریابی (روایی سنجی و پایایی سنجی) شده و علیرغم کم سوال بودن از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار است. در این پژوهش، روایی سازه ی این دو سوال، از طریق همبستگی بین این دو سوال با خرده مقیاس پرسشنامه ی رنجش پذیری (حساسیت به رنجش و شدت رنجش پذیری) مورد بررسی قرار گرفت.

براساس تحلیل های به عمل آمده بین دو سوال واکنش پرخاشگرانه با حساسیت به رنجش و شدت رنجش، به ترتیب همبستگی معنادار برابر با $0/32$ ($P < 0/01$) و $0/39$ ($P < 0/01$) بدست آمد. این دو سوال به شرح زیر است: ۱. مواجه شدن با چنین موقعیتی (منظور موقعیتی است که هر دانشجو در سناریو با آن مواجه شده است) به شدت مرا عصبانی و خشمگین می کند و ۲. بدون تردید من سعی می کنم تلافی این اتفاق را بر سر فردی که اجازه نداد من روی صندلی بنشینم در بیاورم. آلفای کرونباخ این دو سوال در این پژوهش برابر با $0/75$ بدست آمد.

یافته ها

در جدول ۱، میانگین، انحراف معیار و همبستگی درونی بین متغیرهای پژوهش در سه گروه اسنادی (خصمانه، دوستانه و مبهم) ارایه شده است.

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار و همبستگی درونی بین متغیرهای پژوهش در سه گروه اسنادی

متغیرهای پژوهش	اسناد خصمانه			اسناد دوستانه			اسناد مبهم		
	میانگین	۱	۲	میانگین	۱	۲	میانگین	۱	۲
باور به دنیای عادلانه	۴/۱۳	-	۴/۲۷	۴/۱۸	-	۱/۱۵	-	-	-
	۱/۰۸		۱/۲	۱/۱۵		۱/۱۵			
دردسرافزینی	۱/۲۵	۰/۱۹	۱/۳	۱/۳	-۰/۳۲**	۰/۶۲	۰/۱۲	-	-
	۱/۵۵		۰/۷۱	۰/۶۲		۰/۶۲			
واکنش پرخاشگرانه به موقعیت	۲/۴۴	-۰/۲۵**	۱/۵۵	۱/۵۵	-۰/۱	۰/۲۳*	۰/۰۹	-۰/۰۶	۰/۰۶
	۱/۱۱		۱/۰۳	۰/۷		۰/۷			

* $P < 0/05$ ** $P < 0/01$

در جدول ۲، نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی برای بررسی نقش اسناد (خصمانه، دوستانه و مبهم) و دردسرافزینی در رابطه ی بین باور به دنیای عادلانه با واکنش پرخاشگرانه ی دانشجویان ارایه شده است. تعامل سه راهه ی باور به دنیای عادلانه \times دردسرافزینی \times اسناد شناختی ۲ (موقعیت خصمانه = ۱، دوستانه = -۱ و موقعیت مبهم = ۰) با ضریب بتای استاندارد معنادار برابر با $0/17$ ، $3/5$ درصد واریانس افزوده ی انحصاری معنادار برای واکنش پرخاشگرانه فراهم آورده است. این امر، بدین معنا است که رابطه ی باور به دنیای عادلانه با واکنش پرخاشگرانه در سطوح دوگانه ی دردسرافزینی (پایین و بالا) و سطوح سه گانه ی اسناد شناختی (خصمانه، دوستانه و مبهم) با یکدیگر متفاوت است.

جدول ۲: نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش بینی واکنش پرخاشگرانه ی دانشجویان

واکنش پرخاشگرانه			متغیرهای پیش بین
اثرات اصلی ۱	اثرات اصلی ۲	اثرات تعاملی	
β	β	β	
-۰/۱۱	-۰/۱۲*	-۰/۱	باور به دنیای عادلانه
۰/۱	۰/۱۱	۰/۰۳	دردسر آفرینی
-۰/۲۴**	-۰/۲۳**	-۰/۲۲**	اسناد شناختی ۱
۰/۳۵**	۰/۳۵**	۰/۳۵**	اسناد شناختی ۲
-	-۰/۰۴	۰/۰۲	باور به دنیای عادلانه × دردسر آفرینی
-	۰/۰۷	۰/۰۷	باور به دنیای عادلانه × اسناد شناختی ۱
-	-۰/۱	-۰/۰۷	باور به دنیای عادلانه × اسناد شناختی ۲
-	-	-۰/۰۱	باور به دنیای عادلانه × دردسر آفرینی × اسناد شناختی ۱
-	-	۰/۱۷*	باور به دنیای عادلانه × دردسر آفرینی × اسناد شناختی ۲
۰/۱۹۷**	۰/۰۱۵	۰/۰۳۵*	ΔR^2 یا R^2
۱۳/۲۲**	۰/۲۷۵	۲/۱۲*	ΔF یا F

* $P < 0/05$ ** $P < 0/01$

با توجه به یافته های جدول ۲، تحلیل رگرسیون تعقیبی به تفکیک دو سطح دردسر آفرینی و سه سطح اسناد شناختی انجام شد که نتایج آن را در جدول ۳ مشاهده می کنید.

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون تعقیبی برای رابطه ی باور به دنیای عادلانه با واکنش پرخاشگرانه در سطوح دردسر آفرینی و اسناد

دردسر آفرینی بالا			دردسر آفرینی پایین			متغیر پیش بین و ملاک
اسناد	اسناد	اسناد	اسناد	اسناد	اسناد	
مبهم	دوستانه	خصمانه	مبهم	دوستانه	خصمانه	
β	β	β	β	β	β	
۰/۰۶	-۰/۳۷	۰/۱۵	-۰/۰۵	۰/۱۸	-۰/۳۴*	باور به دنیای عادلانه ← واکنش پرخاشگرانه

بررسی ها نشان می دهد، در دردسر آفرینی پایین و در موقعیت اسناد خصمانه، رابطه ی باور به دنیای عادلانه با واکنش پرخاشگرانه، منفی است ولی وقتی به دردسر آفرینی بالا می رسیم، این رابطه، مثبت می شود. در موقعیت های دیگر، یعنی دردسر آفرینی پایین - اسناد دوستانه، دردسر آفرینی پایین - اسناد مبهم، دردسر آفرینی بالا - اسناد دوستانه و دردسر آفرینی بالا - اسناد مبهم رابطه ی باور به دنیای عادلانه با واکنش پرخاشگرانه، معنادار ($P > 0/05$) نیست.

بحث و نتیجه گیری

شواهد حاصل از این پژوهش، حمایت پژوهشی دیگری را برای فرضیه ی کارکرد دوگانه ی متضاد برای باور به دنیای عادلانه در دانشجویان دختر فراهم کرد. شواهد پژوهشی ارایه شده توسط گل پرور و همکاران (۲۰۰۹) همچنین تحقیقاتی که این محققان در خارج از ایران مرور کرده اند حاکی از پیوند منفی میان باور به دنیای عادلانه با تمایل به پرخاشگری و خصومت است اما در پی تحقیق یاد شده، گل پرور و واثقی (۲۰۱۰) طی تحقیق خود در میان دانش آموزان نشان دادند که رابطه ی باور به دنیای عادلانه با واکنش پرخاشگرانه به موقعیتهای خصمانه، دوستانه و مبهم، تحت تاثیر نحوه ی اسناددهی (نسبت دادن به خود یا دیگران) و میزان دردسرافزینی افراد قرار می گیرد. به این ترتیب که وقتی فرد، دارای ویژگی دردسرافزینی بالاست، رابطه ی باور به دنیای عادلانه با واکنش پرخاشگرانه، مثبت ولی وقتی دردسرافزینی پایین است، رابطه ی باور به دنیای عادلانه با واکنش پرخاشگرانه در شرایط اسناددهی خصمانه، منفی است. این یافته، به باور گل پرور و واثقی (۲۰۱۰) دو چیز را نشان می دهد: ۱) اینکه در هر شرایطی، برخلاف تحقیقات گذشته که نشان داده اند رابطه ی باور به دنیای عادلانه با پرخاشگری، منفی است، رابطه ی این دو متغیر، منفی نیست بلکه ممکن است تحت تاثیر ویژگی های افراد، نظیر دردسرافزینی، این رابطه مثبت شود، ۲) دومین مساله اینکه، احتمال می رود که کارکرد باور به دنیای عادلانه برای پرخاشگری، تحت تاثیر ویژگی های پایدار افراد، دارای کارکرد دوگانه ی متضاد شود. فرضیه ی کارکرد دوگانه ی متضاد پدیده ای است که در تحقیقات و نظریات گذشته در حوزه ی باور به دنیای عادلانه و پرخاشگری به طور جدی مورد غفلت قرار گرفته است (گل پرور و همکاران، ۲۰۰۹). بر پایه ی یافته های این پژوهش که همسویی قابل توجهی با یافته های گل پرور و واثقی (۲۰۱۰) در دانش آموزان دختر دارد، حمایت جدیدتر نسبی برای فرضیه ی کارکرد دوگانه ی متضاد فراهم شد.

بر اساس آنچه که در نمودارهای ۱ و ۲ ارایه شده، وقتی دردسرافزینی، پایین است، در موقعیت اسناد خصمانه، باور به دنیای عادلانه با واکنش پرخاشگرانه، رابطه ی منفی پیدا می کند ولی وقتی دردسرافزینی بالاست و فرد کماکان در موقعیت اسناد خصمانه قرار دارد، این رابطه مثبت می شود. این یافته به طور آشکار از فرضیه ی کارکرد دوگانه ی متضاد حمایت و از ادعاهای قبلی (گل پرور و همکاران، ۲۰۰۹) مبنی بر پیوند منفی بین باور به دنیای عادلانه با پرخاشگری، حمایت

نمی‌کند. آشکار است که در موقعیت خصمانه، رابطه ی باور به دنیای عادلانه با واکنش پرخاشگرانه ی دانشجویان دختر، تحت تاثیر دردسرافرینی، معکوس می‌شود. این همان کارکرد دوگانه ی متضادی است که دارای کارکرد سوگیری خدمت به ویژگی های فردی را برای باور به دنیای عادلانه فراهم می‌سازد؛ بدین معنا که وقتی فرد دارای ویژگی های معطوف به تغذیه ی پرخاشگری (نظیر دردسرافرینی) در شرایط اسناددهی خصمانه قرار می‌گیرد، باور به دنیای عادلانه بر پایه خصمانه بودن علت رفتار فرد، توجیه لازم را برای واکنش پرخاشگرانه بر پایه باور به دنیای عادلانه، فراهم می‌سازد اما وقتی دردسرافرینی در حد پایینی است، به احتمال زیاد باور به دنیای عادلانه همان کارکرد متعارف پرخاشگری را نشان می‌دهد. بر این اساس، به پژوهشگران علاقه‌مند توصیه می‌شود که ویژگی های صفت فردی نظیر خشم صفت و پنج عامل بزرگ شخصیت را در تحقیقات بعدی در پیوند باور به دنیای عادلانه با واکنش پرخاشگرانه مورد بررسی قرار دهند تا از این طریق مشخص شود که باور به دنیای عادلانه برای دیگر ویژگی های به نسبت پایدار افراد دارای کارکرد دوگانه ی متضاد است یا خیر. پیشنهاد کاربردی مبتنی بر یافته های این پژوهش آموزش تغییر اسناددهی دردسرافرینی بالا به دردسرافرینی پایین برای جلوگیری وقوع تاثیر منفی باور به دنیای عادلانه بر پرخاشگری است. در پایان، به این محدودیت پژوهش که یافته های حاصل از دانشجویان دختر بدست آمده و در تعمیم نتایج به دانشجویان پسر باید احتیاط شود توجه ی کافی لازم است.

References:

- Begue, L., & Muller, D. (2006). Belief in a just world as moderator of hostile attributional bias. *The British Journal of Social Psychology*, 45, 117-126.
- Dalbert, C. (1999). The world is more just for me than generally: About the personal belief in a just world scale's validity. *Social Justice Research*, 12, 79-98.
- Golparvar, M. (2007). Differences of males and females on the relationships among personal value orientation and love to money with just and unjust world beliefs. *Journal of Education & Psychology*, 3(5), 45-62. (Persian).
- Golparvar, M., Khaksar, S., & Khayatan, F. (2009). The relationship between belief in a just world and an unjust world and aggression. *Journal of Iranian Psychologists*, 5(18), 127-136. (Persian).
- Golparvar, M., & Akbari, M. (2009). General health of students as a function of religious orientation and distributive and procedural just world beliefs. *Biquarterly Journal of Studies in Islam & Psychology*, 3(4), 43-64. (Persian).
- Golparvar, M., & Javadi, S. (2007). Relational model between just world beliefs for self and others with mental health indicators: structural equations model. *The Quarterly Journal of Fundamentals of Mental Health*, 4(2), 109-122. (Persian).
- Golparvar, M., & Javadian, Z. (2011). Cognitive discriminations in belief in a just world among males and females. *Quarterly Journal of Women's strategic Studies*, 13(50), 125-152. (Persian).
- Golparvar, M., & Khaksar, S. (2010). The role of justice ideologies and just and unjust world belief on behavioral and evaluative justice of college students distress. *Journal of Research in Behavioral Sciences*, 8(1), 24-32. (Persian).

- Golparvar, M., & Nadi, M. A. (2008). Belief to the just and an unjust world, behavioral justice, justice in evaluation and distress at school. *Research in Psychological Health, 2(2)*, 51-62. (Persian).
- Golparvar, M., & Oreizi, H. R. (2007). A comparative study on men and women's attitude toward the fairness of the world. *The Quarterly Journal of Women's Research, 4(4)*, 95-114. (Persian).
- Golparvar, M., & Oreizi, H. R. (2008). The comparison of beliefs in fair world for self and others in terms of sex, marital status, education, job and housing. *Technical quarterly of Educational Research, 4(16)*, 129-158. (Persian).
- Golparvar, M., & Oreizi, H. R. (2008). Validation of just world beliefs questionnaires for self and others. *Journal of Humanities University of Isfahan, 25(4)*, 193-212. (Persian).
- Golparvar, M., & Vaseghi, Z. (2011). Attribution moderator of relationship between belief in a just world with female students aggressive reaction. *Advances in Cognitive Science, 12(48)*, 1-12. (Persian).
- Golparvar, M., Kamkar, M., & Javadi, S. (2007). Relation between just world beliefs for self and others with general health, life satisfaction, positive and negative affect and automatic thoughts. *The Quarterly Journal of Science & Research, 9(31)*, 39-68. (Persian).
- Reeve, J. H. (1997). *Understanding motivation and emotion*. Translated by: Y. Seyed Mohammadi. Tehran: Virayesh Publication Institute.
- Sajadian, I., & Golparvar, M. (2008). Simple and multiple relations between just and an unjust world beliefs with psychological state. *Contemporary Psychology, 3(1)*, 33-42. (Persian).
- Sarmad, Z., Bazargan, A., & Hejazi, E. (1997). *Research methods in behavioral science*. Tehran: Agah Publication. (Persian).